

سیری در ادیان جهان

سروراستاز: کریسوفر پرنریج
ترجمه عبدالعلی براتی



شناخت دین

بخش اول



- دین چیست؟ ۱۴
- پدیده‌شناسی و مطالعه دین ۱۸
- انسان‌شناسی دین ۲۳
- اسطوره‌ها و نمادها ۲۴
- حامعه‌شناسی دین ۲۷
- روان‌شناسی دین ۳۰
- نظریه انتقادی و دین ۳۲
- آیین‌ها و مناسک ۳۶
- ادیان جهان (مقشه) ۳۸
- سیر زمانی ادیان جهان ۴۰

ادیان باستانی

بخش دوم



- دین پیش از تاریخ ۴۲
- مکان‌ها و تقویم‌های مقدس ۵۲
- سرزمین آرتک‌ها و ایکاه‌ها ۵۴
- گاهواره تمدن. خاور نزدیک در دوران باستان ۶۱
- مصر باستان. سرزمین کاهنان فرمانروا ۷۱
- معابد مصر - مراکز قدرت ۷۸
- ادیان یونان و روم باستان ۸۰
- خدایان کهن دین اقوام سیلت ۹۷
- ادیان و خدایان اسکانددیناوی ۱۰۰
- چادر نشینان استپ‌ها ۱۰۵

ادیان بومی

بخش سوم



- شناخت ادیان بومی ۱۱۰
- موردشناسی ۱ ادیان بومی در آسیا ۱۱۵
- موردشناسی ۲ دین فو در پاپوا گینه نو ۱۱۹
- موردشناسی ۳ ادیان بومی استرالیا ۱۲۲
- موردشناسی ۴ ملانزی ۱۲۵
- موردشناسی ۵ ادیان بومی آمریکای جنوبی ۱۲۶
- موردشناسی ۶ بومیان آمریکای شمالی ۱۳۲
- موردشناسی ۷ ایبویت ۱۳۵
- موردشناسی ۸ شمشیم در اسکانددیناوی ۱۳۶
- موردشناسی ۹ ادیان بومی آفریقا ۱۳۸
- موردشناسی ۱۰ نانگوا ۱۴۳
- موردشناسی ۱۱ رولو ۱۴۴

دین هندو

بخش چهارم



- ۱۴۶ مروری تاریخی
- ۱۵۲ فلسفه
- ۱۵۵ متون مقدس
- ۱۵۸ ناورها
- ۱۶۵ عبادت و اعیاد
- ۱۶۸ اعیاد دین هندو
- ۱۶۹ خانواده و جامعه
- ۱۷۱ من هندو هستم
- ۱۷۲ دین هندو در جهان امروز

دین جین

بخش پنجم



- ۱۷۸ مروری تاریخی
- ۱۸۵ متون مقدس
- ۱۸۷ ناورها
- ۱۹۲ خانواده و جامعه
- ۱۹۴ عبادت و اعیاد
- ۲۰۰ من جین هستم
- ۲۰۱ دین جین در جهان امروز

دین بودا

بخش ششم



- ۲۰۳ مروری تاریخی
- ۲۱۰ متون مقدس
- ۲۱۴ ناورها
- ۲۲۰ خانواده و جامعه
- ۲۲۴ کانو دای و هوا هانو
- ۲۲۶ من بودایی هستم
- ۲۲۷ دین بودا در جهان امروز

دین سیک

بخش هفتم



- ۲۳۳ مروری تاریخی
- ۲۳۹ منون مقدس
- ۲۴۱ ناورها
- ۲۴۵ عبادت و اعیاد
- ۲۴۷ اعیاد دین سیک
- ۲۴۹ معبد طلائی
- ۲۵۱ من سیک هستم
- ۲۵۲ خانواده و جامعه
- ۲۵۵ دین سیک در جهان امروز

دین زردشت

بخش هشتم



- ۲۶۱ مروری تاریخی
- ۲۶۷ ناورها
- ۲۷۱ خانواده و جامعه
- ۲۷۶ من زردشتی هستم
- ۲۷۸ دین زردشت در جهان امروز

یهودیت

بخش نهم



- ۲۸۵ مروری تاریخی
- ۲۹۵ شاخه‌های یهودیت
- ۲۹۸ سیر یهودیت
- ۳۰۲ عهد
- ۳۰۴ متون مقدس
- ۳۰۹ ناورها
- ۳۱۳ خانواده و جامعه
- ۳۱۷ عبادت و اعیاد
- ۳۱۹ اعیاد یهودیت
- ۳۲۳ من یهودی هستم
- ۳۲۴ فلسطین: آوردگاهی برای آرمون سه دین
- ۳۲۶ یهودیت در جهان امروز

مسیحیت

بخش دهم



- ۳۳۱ مروری تاریخی
- ۳۳۷ عیسی مسیح (ع)
- ۳۴۴ شاخه‌های کلیسا
- ۳۴۷ منون مقدس
- ۳۴۹ ناورها
- ۳۵۵ عبادت و اعیاد
- ۳۵۸ اعیاد مسیحیت
- ۳۶۰ من مسیحی هستم
- ۳۶۱ خانواده و جامعه
- ۳۶۴ مسیحیت معاصر در خارج از جهان عرب
- ۳۶۹ مسیحیت در جهان امروز

اسلام

- مروری تاریخی ۳۷۸
- وحدت و کثرت در اسلام ۳۸۵
- متون مقدس ۳۹۰
- باورها ۳۹۴
- عبادت و اعیاد ۳۹۸
- اعیاد اسلام ۳۹۹
- شریعت اسلام ۴۰۳
- علم، هنر و فرهنگ ۴۰۶
- حانواده و جامعه ۴۰۹
- من مسلمام ۴۱۲
- اسلام در جهان امروز ۴۱۳

بخش باردهم



ادیان شرق آسیا

- حردمدان و حاودانگان ادیان چین ۴۱۶
- مسیحیت در حین امروز ۴۲۶
- پرستش ناکان ۴۳۰
- سینکیو دین سستی گره ۴۳۱
- ادنان ژاپمی نافنه‌ای از سس ۴۳۳

بخش دواردهم



دین در دنیای امروز

- مقدمه ۴۴۶
- از اگریسانسالسم تا پسامدریسم ۴۴۶
- حشش‌های دینی حدند ۴۵۲
- دنبوی‌سازی و فدسی‌سازی ۴۵۸
- من راستافاریایی هسسم ۴۶۰
- دین و جهانی شدن ۴۶۲
- من رهجوی معوی هستم ۴۶۵
- دین و سیاست ۴۶۶

بخش سبردهم



- شرح اصطلاحات و نام‌ها ۴۶۹
- نمایه ۵۲۲



شناخت دین

عشق اول

دین چیست؟

راسل تی مکچن^۱

«تعریف به معنای اتمام کار نیست بلکه صرفاً آغاز است تعریف به به معنای محدود کردن بلکه به معنای آفرینش چیزی است... در بهایت تعریف به به معنای تحریم بلکه به معنای ساحین به منظور تأمل مفید است... در واقع ما برای هر آنچه در ناهای چیزی می‌دانیم تعریفی داریم گرچه این تعریف سبب بوده و گنگ ناسد پس نگذارند مفهوم خود را از تعریف حسن تعریف کنیم طبعه‌بندی آزمایشی تک بدیده که امکان آغاز کردن تحلیل بدیده‌ای را که این گونه تعریف سده است فراهم می‌آورد»

برایان کی اسمیت

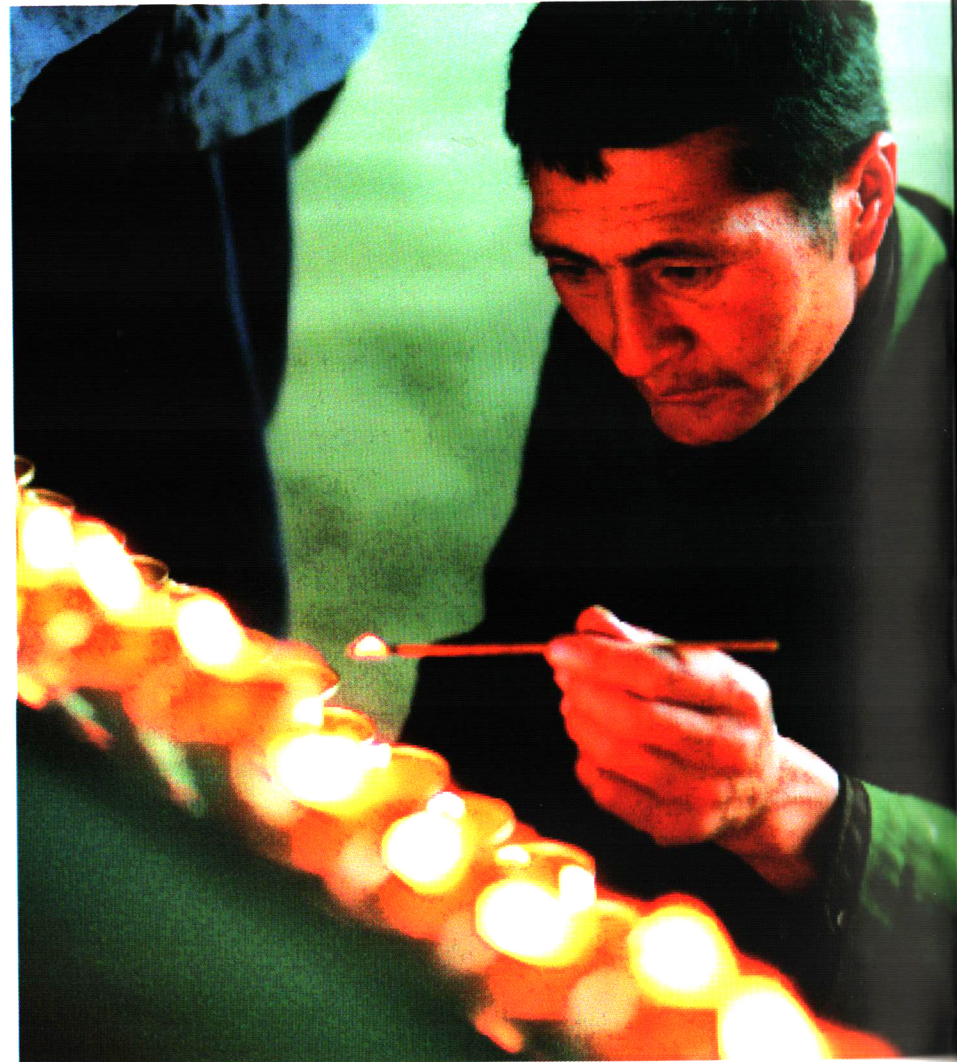
می‌دانم که واژه «religion» (به معنای دین) از زبان لاس برآمده است — گرچه هیچ کس از منشأ واژگانی آن مطمئن نیست — و زبان‌هایی که متأثر از زبان لاس هستند معادل‌های مشابهی برای این واژه انگلیسی دارند آنچه زمانی در محافل تخصصی بریناسا «دین معنای»^۲ خوانده می‌شد در زبان آلمانی Religionswissenschaft یا مطالعه نظام‌مند دین و در فرانسوی les sciences religieuses نامیده می‌شود ریشه‌های ناسانی واژه «religion» هیچ پیوندی با معنای کنونی که امروز از آن مسفاد می‌شود ندارند به نظر می‌رسد این واژه از کلمانی برآمده است به معنای «بوجه دقیق به عملی داشتن» (religere) یا «چیزی را محکم بس» (religare)، در حالی که واژه religion امروز عموماً به آن ناورها، رفتارها و نهادها اجماعی مربوط می‌شود که به نحوی با نظرووری‌هایی در ناره یکی از مفاهیم دین نا همه آنها در ارتباطند منشأ، پانان و اهمیت جهان و کائنات، این که پس از مرگ چه بر سر ما می‌آید، وجود و امثال موجودات عبرانسانی قدریمند مانند ارواح، احداث، فرستگان، ساطن و حدانان، و نحوه‌ای که تمام این‌ها رفتار انسانی را شکل می‌دهند از آن‌ها که هر یک از این‌ها به جهانی ناپیدا (یعنی عمر نحربی) اساره دارند که به گونه‌ای سرون از ما

1 Russell T McCutcheon
2 comparative religion

با وری تاریخ بسر فرار گرفته است، آنچه «دنی» می‌نامم عموماً نقطه مقابل نهادهایی محسوب می‌شود که «ساسی» خوانده می‌شوند سائران، ما با این فرص عمل می‌کنم که گرچه دین به ناور شخصی مربوط می‌شود که نا نحت و حدل عقلانی هرگر نمی‌توان نکلف آن را مشخص کرد، اموری از حسن امور ساسی ملموس و همگانی هستند و سائران می‌توان در ناره آنها محادله عقلانی کرد

ذات «دین»

گرچه این نام معمول بس شخصی و همگانی، احساس و عمل، خود حاصل نحولی تاریخی است (نفساً در فرن هفدهم است که برای نخستین بار به شواهدی برمی‌خوریم که نشان می‌دهد کلمانی که روزی به رفتار فرد نا خانگاه و مقام او در جامعه و برد همگان مربوط می‌شدند (مانند پرهنگاری و احرام) به صورت اموری احساسی و مربوط به احساس شخصی درآمده‌اند) امروز این تصور که ما همه دارای هسته‌ای درونی از اعقاد هستیم که به نحوی از انحا در مراسم و مناسک آن را به طور عمومی نشان می‌کنم حنان گسرنده و فراگر است که بردند در صحت آن به نظر عبرمطقی می‌آید



زائران در مهم ترین معبد دین بودا در سب — معبد جوکهانگ در لهاسا — سمع‌هایی را که نا حزبی عزگاوها می‌سورند روسی می‌کنند

دین چیست؟

پرووی های دونید
نکام فوتالیست او را
برد بسازی نه بت یا
اسطوره‌ای بدل کرده
است.



درست همس تصور است که الهام بخش گروهی از مردم است که می‌توانم آن‌ها را مجموعاً «دات‌گرا»^۱ بخوانم ایان نه این دلیل «دات‌گرا» هستند که معتقدند «دین» نام رفتارهایی بروی است که از امری درونی نشئت می‌گیرد که آن را «ایمان» می‌خوانند بنابراین، می‌توان تصور کرد که کسی بگوید «من دیندار هستم ولی نه معنویت اعتقاد دارم» فرص تلویحی در این‌جا این است که بهادهای مربوط به ادیان مانند سلسله‌مراتب، آداب و معررات و مساسک صرفاً نابوی و بنابراین عبرداتی هستند عامل مهم ایمان درونی، «دات» درونی دین، است گرچه دات دین، یعنی همان خبری که بدون آن فرد عبردیندار تصور می‌سود، به نام‌های مختلفی (ایمان، اعتقاد، معدس، روحانی و غیره) خوانده می‌شود، دات‌گراان در کل می‌پذیرند که دات دین واقعی و عبربحری است (به این معنا که نمی‌توان آن را دید، سید، لمس کرد و بطایر آن) و نا مطالعه صرف نمی‌توان به که آن بی برد و نابد آن را بی‌واسطه تجربه کرد

نقش دین

حدا از رویکردی که دین را بحریه‌ای درونی می‌داند

1 essentialist

که ساد رفتار دینی است، علما از اصطلاح «دین» در اشاره به آنچه حیطه‌های عرب رفتار مشهود بشری می‌انگارند — حیطه‌هایی که سازمند نسبانند — اسفاده می‌کنند این افراد نظریه‌هایی می‌بردارند تا نشان کنند که چرا مثلاً مردم تصور می‌کنند که بخش ناپندای بدن آن‌ها (که معمولاً «روح» خوانده می‌شود) پس از مرگ بی‌نابی می‌ماند، یا موجودات قدرتمند بر کائنات تسلط دارند، یا این‌که چبری نش از آنچه به چشم می‌نسم وجود دارد این نظریه‌ها عمدتاً نقش‌گرا^۲ هستند، نه این معنا که نلاس می‌کنند نا نفس اجتماعی، روانی یا سیاسی عواملی را که «دینی» خوانده می‌شوند معس کند کارل مارکس، امیل دورکهایم^۳ و رنگموند فروید نموبه‌های کلاسیک این نظریه‌ها را به دست داده‌اند

● کارل مارکس (۱۸۱۸ — ۱۸۸۳) آثار کارل مارکس در اقتصاد سیاسی، دین را افبوی اعلام می‌کنند که هم احساس درد و ریح بوده‌های تحب سسم را کمربنگ می‌کند و هم مانع از آن می‌شود که نه

2 functionalist
3 Emile Durkheim

نلاسی برای رهایی خود دست نازند، ربرا مسولبت بهایی شوربجی خود را به گردن موخودی می‌اندازند که ورای تاریخ فرار دارد

● امیل دورکهایم (۱۸۵۸ — ۱۹۱۷) بر حسب تعریف جامعه‌سازانه دورکهایم، دین مجموعه‌ای از اعمادات و اعمال است که افراد نا بوسل به آن‌ها به هویی مسرک و اجتماعی دست می‌نابند

● رنگموند فروید (۱۸۵۶ — ۱۹۳۹) فروید نا مطالعات روان‌شناسانه‌اس نه این سحجه رسند که رفتار دینی مشابه نفسی است که رویاها در برور دادن اضطراب‌های صد اجتماعی ناری می‌کند، نه گونه‌ای که خانگاه فرد را سس گروه بهدند نکند

گرچه این سه رویکرد کلاسیک نسبا نا هم متفاوتند، نا آن‌ها که دین را بهادی می‌داند که در کمک نه افراد و حوامع برای نارآفرینی خود نفسی انفا می‌کند، می‌توان همه آن‌ها را نفس‌گرا^۱ به شمار آورد

رویکرد منتی بر شاهت خانواده‌گی^۱

حدا از سبوه دات‌گراانده تعریف دین (یعنی ناور نه وجود هسته‌ای عبربحری که بدون آن نمی‌توان چبری را دینی نه حساب آورد) و شوبه نفس‌گراانده (که ناور دارد ادیان نه ازضای نازهای اسنان ناری می‌رسانند) رویکرد سومی بر وجود دارد نه نام تعریف مسی بر سناهب خانوادگی رویکرد مسی بر شناهب خانوادگی، که نا فلسفه لودویگ وینگسناسن^۲ (۱۸۸۹ — ۱۹۵۱) نبوند دارد، می‌گوید که هیچ چبر را نمی‌توان صرفاً نا نکه بر نک دات نا نفس تعریف کرد، بلکه درست ندان‌گونه که اعضای خانواده کمادش در رشه‌ای از ویرگی‌ها شربکند و درست همان‌طور که همه آن حرهایی که «ناری» می‌نامم کمادش در رشه‌ای از وبرگی‌ها اشتراک دارند و هیچ یک از این ویژگی‌ها نه طور مساوی و نکواحت سس تمام اعضای گروه‌های «خانواده» نا «ناری‌ها» نفسم شده‌اند، سابر پدنده‌ها سس — از حمله ادیان! — از این

1 family resemblance approach
2 Ludwig Wittgenstein

حش که در برحی ویژگی‌های محدود اشتراک دارند تعریف می‌شوند

«دین» در مقام طقه‌سندی کسده

حان کلام این است که واژه «دین» احتمالاً نشن‌بر در ناره کسی که این واژه را نه کار می‌برد (یعنی طقه‌سندی کسده) می‌گوید نا در ناره مطلبی که طقه‌سندی می‌سود برای مثال، روان‌سلس هوادار فروید نه این سحجه نمی‌رسند که دین در خدمت سرکوب بوده‌هاسب، چون نظریه فرویدی مانع از این سحجه‌گیری مارکسسی می‌شود نه همس برست هر عالمی که رویکرد وینگسناسن را می‌نبرد، دین نا رورد نه موردی برمی‌خورد که در ان نه نظر می‌رسند خبری از برحی ویژگی‌ها سبهم دارد ولی سنابد نه به آن مقدار که سوان آن را «نک دین» نه شمار آورد اگر برای مثال، ناری فونال بسازی از معیارهای دین را در خود دارد، چرا سوانس این ناری را دین سس نه شمار آوریم؟ ناند دند اگر چسب سسر عربص و طویلی را برای معنای واژه دین در نظر نگیرم، چه نه رور بعد خاص و سائراس سودمدی واژه «دین» خواهد آمد احتمالاً انفاقی سسب که کسانیک رویکرد دات‌گراانده دارند، صرفاً آن بهادهایی را که موافق آن‌ها هستند بحلی بوعی بحریه درونی، احساس نا هحجان دینی اصل می‌داند و سس سائرس را نه دلیل بی‌مانگی و افساسی بودن نه ناد انفاذ می‌گیرند

بنائراس، دین چیست؟ «دین» درست مانند هر واژه دیگری در فرهنگ لعاب، مصبوعی ناریحی است که نازیگران محلف اجتماعی برای مقاصد محلف از آن اسفاده می‌کنند برای آن‌که بحس‌هایی از دنای اجتماعی خود را طقه‌سندی کنند نا آن‌ها را بزرگ ندازند، حوار سسمازند نا در ناره آن‌ها نظریه‌برداری کند دین هر حبر دیگری که سنابد نا ناشد، می‌توان گفت دست‌کم معوله‌ای است سحجورانه که اعضای گروه از آن برای دسه‌سندی هویب‌های گروهی خود اسفاده می‌کنند